

فانسان

ه ن ر ه
ا ی ج ت ج
س م ک





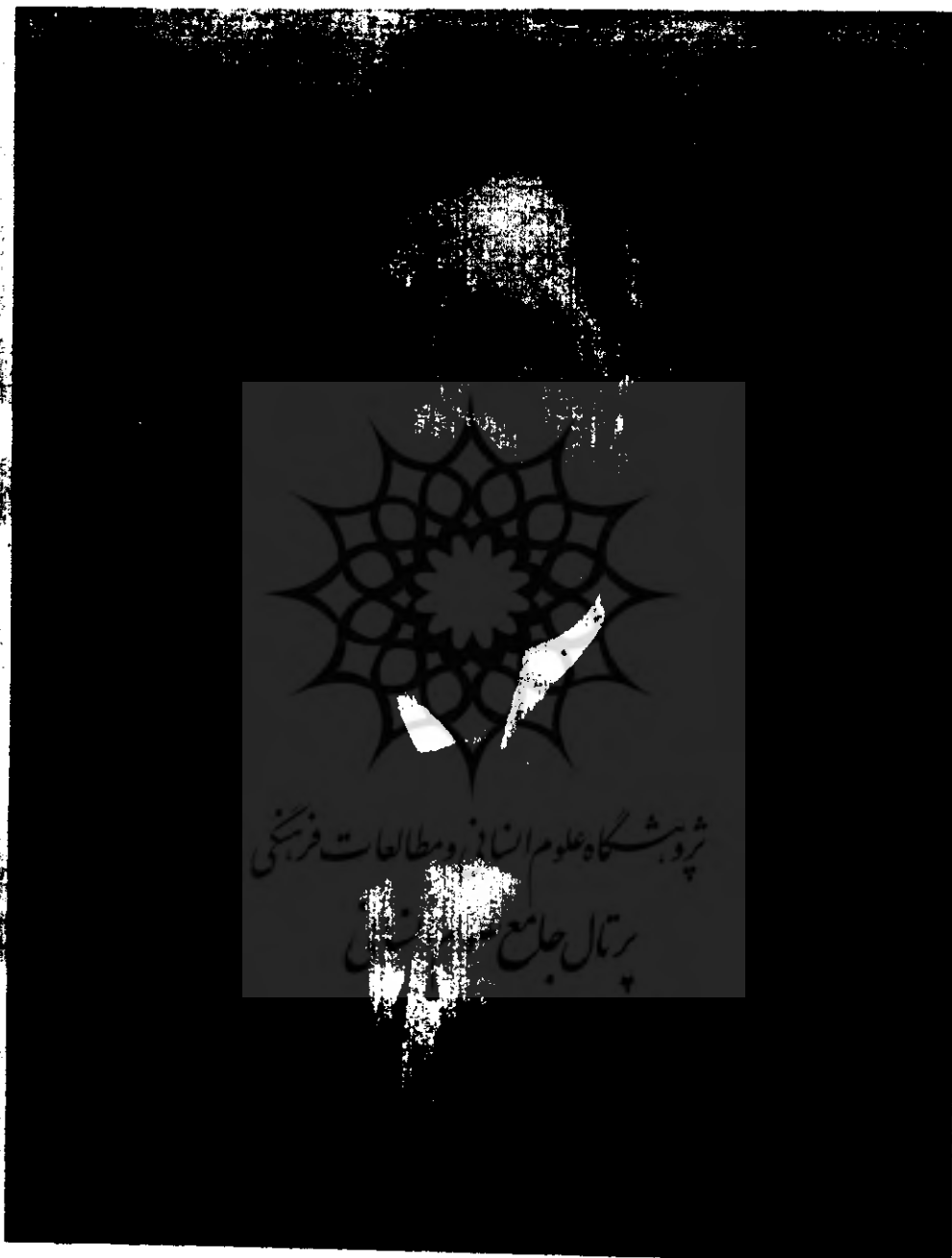
پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

□ کمال الملک

۹

تحولات نقاشی معاصر ایران

مؤلف: سید علی حسینی



۱- پرتره کمال الملک در سن ۴۳ سالگی - این تصویر در

اروپا طرح و تکمیل شده.

فاهولس ۱۰۵

□ مقدمه معرفی

با مرور در تاریخ هنر نقاشی ایران به شخصیت برجسته‌ای
برمی‌خوریم که در سنت نقاشی ایران پایه‌گذار مکتب نوینی بود لذا
در بررسی چهره‌های هنری در آغاز لازم دیدیم که به معرفی این
شخصیت پردازیم قبلاً از کلیه برادرانی که در این تحقیق یاریمان
دادند علی‌الخصوص آقای حائری مسئول کتابخانه مجلس شورای
اسلامی و مسئولین موزه هنرهای معاصر و کتابخانه ملک کمال تشکر
را داریم.

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

محمد غفاری ملقب به کمال‌الملک، فرزند میرزا بزرگ پسر میرزا محمد، پسر میرزا
عبدالمطلب غفاری در آخر شوال المکرم ۱۲۶۴ هجری قمری در کاشان متولد شد و ابتدای
عمر را در همانجا بسر برده و پس از طی دوران مقدماتی تحصیل در سن پانزده سالگی به تهران
آمد و وارد مدرسه دارالفنون گردید و پس از گذراندن دورهٔ مدرسه بعلت داشتن ذوق فراوان
در نقاشی از طرف ناصرالدین شاه در اطاقی در عمارت بادگیر از مجموعه شمس‌المعماری
مشغول به کار نقاشی شد.

مراحل زندگی هنری استاد را در چهار دوره خلاصه میتوان کرد:

۱- دوره اول شامل اوقاتی می شود که استاد در دربار ناصرالدین شاه تحت عنوان نقاشباشی مشغول به نقاشی شد تا بلوهای این دوره بالغ بر یکصد و هفتاد قطعه می باشد که به ذکر آثار زبده این دوره اکتفا می کنیم. (۱۳۱۲-۱۲۸۵)

۲- دوره دوم شامل مدت زمانی است که استاد در اروپا بسر می برده است (۱۳۱۹-

۱۳۲۴)

۳- دوره سوم مربوط به آناری می شود که در سفر عتبات عالیات خلق شده اند

(۱۳۲۲-۱۳۱۹)

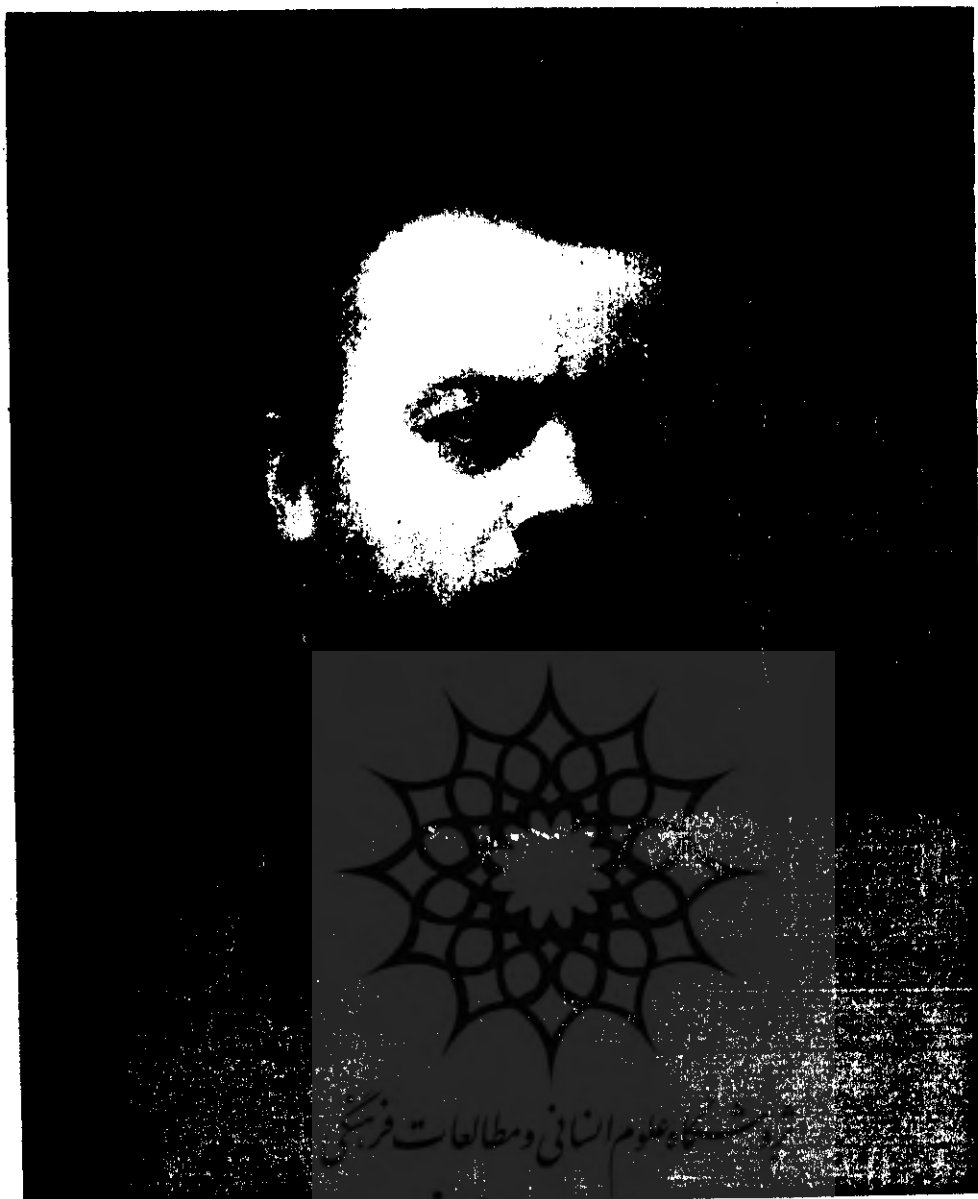
۴- آغاز مشروطیت و تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه، که به ترتیب و به تفصیل از این

دوره ها یاد میکنیم.

دوره اول:

دسترسی به بسیاری از آثار کمال الملک بویژه کارهای اولیه او دشوار است معدودی از این آثار احتمالاً از بین رفته اند و پاره ای چنان پراکنده اند که گردآوری آنها در یک جا و یادست یابی به همه آنها کار عظیمی می طلبد از زبده آناری که از کمال الملک با امضای نقاشباشی در دسترس است تا بلو و آشبار و قلو که به سال ۱۳۰۲ هجری خلق شده، کاخ گلستان و منظره دهکده امامیه که بترتیب در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ بوجود آمدند و نیز منظره باغشاه و دورنمای دره زانوس که به سال ۱۳۰۶ هجری تعلق دارند. تابلوی اردوی دولتی که در سال ۱۲۹۹ هجری نقاشی شده یکی از قدیمی ترین آثار دوره ای است که با امضای نقاشباشی مشخص است که فعلاً در مجموعه کتابخانه مجلس نگهداری میشود.

در آثار یاد شده همانطور که از عناوین آنها برمی آید نقاش به زندگی و مناسبات و موضوعات انسانی التفات کمتری دارد، آنچه او را می خواند یا طبیعت سرشار و مرموز است که وسوسه های شاعرانه اش به صورت الهامات احساسی نازل می شود و یا ساختمانها اماکنه دولتی است، و تازه عناصر تابلو و سوزنهائی که نقاش را بخود دعوت کرده است تا حدی فاقد روح و حرکت و یا آن صلابت عاطفی است که هر اثر هنر فقط با برخورداری از آن می تواند به ماندگاری و حقیقت خود امید داشته باشد، اگر چه این آثار ضیافتی در برابر چشم می گشاید و عاطفه بیننده را نوازش میدهد، اما کار نقاش در این آثار به یک دور بین عکاسی بیشتر شبیه است که تصویری ساده و ثابت و خشک و ظاهری بدست میدهد و مابه خلاقیت های فی البداهه و ناز و خیالی های هنرورانه در آنها کمتر مشهود است، عناصر و جوارح اثر با ادراکات عمیق و حسن وهم و رویاهای نقاش نیامیخته و اگر آمیخته این آمیزش در سطح



۲- پرترة فانسن لاتور نقاش فرانسوى اين تابلو در اروپا كار شده است.

وقتر متوقف مانده و بجزیک یا دو استثناء به وحدانیت خالق و مخلوق نیا جامیده است، تکنیک در این آثار از آینده پیروزمند نقاش حکایت می کند و در هر اثر به نسبت اثر قبلی پخته تر و شفاف تر و جا افتاده تر شده است.

نابلوی تالار آینه مبداء جدیدی در نقاشی ایران است، این اثر در ارکان مکتب قاجاریه که به وضوح به سنتهای مینیاتور ایران چشم داشت و در این تبعیت و پیروی روز به روز بیشتر در ورطه تقلید و تعبد می غلطید لرزه انداخت راهی که کمال الملک تا پایان عمر در عرضه نقاشی پیمود، ادامه تالار آینه و تکامل و تبلور شیوه و ساخت و نگارشی بود که در جریان آفرینش این اثر بدان دست یافت. در این مسیر بود که کمال الملک بصورت نقطه ختم جریان هنر سنتی و نقطه آغاز جدی جریان دیگری درآمد که از هنر مغرب زمین مایه بسیار می گرفت، اگر چه تاثیر پذیری از هنر غرب از زمانهای دور آغاز شده بود ولی در کار نقاشان قبل از او نفوذ هنر غربی به نحوی در سنتهای نقاشی ایران مستحیل می شد، حال آنکه در آثار کمال الملک تدریجاً معیارهای نقاشی ایران به کنار رفت و معیارهای هنر کلاسیک اروپائی بجای آن نشست.

این تحول و بدعت که در آغاز بیشتر جنبه سنت شکنی داشت، بزودی خود سنت معتبری شد و نقاشی ایران برای رستاخیز دوباره خود به آن تن در داد و آن را تأیید کرد این دگرگونی درسبک و مضمون، یک تضاد نبود، ضرورتی بود که از رشد سلولها و بافتهای اجتماعی و تکامل تاریخی جامعه ایران سرچشمه میگرفت مدتها بود که جامعه کهن با تکانهها و انفجارهای کم و بیش محسوسی می لرزید. همان ضرورتی که اصلاحات اجتماعی امیر کبیر را باعث شده بود، هنوز جامعه ایران را در تب و تاب و غلبان نگه میداشت.

ارزشها و قالبهای فرسوده و فرتوت تاب فشار و سیلان زنده مضامین و مقتضیات نوین را نداشت هر چه انقلاب مشروطیت نزدیکتر می شد، جامعه بیقرارتر و ضرورت نوحی و دگرگونیهای که پاسخگوی نیازهای ایران و جهان متحول باشد، حادثر و شعله ورتر میشد. این ضرورتها در عرض هنر و فرهنگ تجلی بارزی داشت.

در این دوره گاه و بیگاه نقاشی بموضوعات انسانی نیز گوشه چشمی داشته است، نمونه این کارها نابلویک مصری است که پس از تالار آینه نقاشی شده و شکارچیان و دودختر گدا که پیش از تالار آینه خلق شده اند، آخرین نابلوی که کمال الملک با امضای نقاشی کشیده رمال (۱۳۰۹) نام دارد و قویترین کمپوزسیون کمال الملک تا آن زمان بشمار می آید و بخوبی تبحر او را در رنگ و پرداخت دقیق طبیعت نشان میدهد، پرسوناژها نسبتاً خوب ساخته شده اند و از رابطه ای منطقی برخوردارند، بعدها این نابلو در یکی از نمایشگاههای پاریس

شرکت داده شد و بعنوان بهترین تابلو در آن مجموعه شناخته شد و موفق به دریافت جایزه اول گردید.

کمال الملک در تاریخ ۱۳۰۱ قمری (۳۷ سالگی) تاهل اختیار کرد و دارای ۴ فرزند شد بنامهای نصرت خانم، معزالدین خان، حسنقلی خان، حیدرقلی خان و برادری داشت موسوم به ابوتراب خان که سه سال از خودش بزرگتر بود و نقاش بود، صورتهائی که به امضای ابوتراب در روزنامه های شرف و شرافت انتشار می یافت اثر قلم آن مرحوم است.

دوره دوم:

اروپا دنیای جدیدی را در برابر استاد گشود، هم صحبتی با استادان و دست اندرکاران هنر نقاشی تجربه های زیادی بوی آموخت و دنیای توصیف ناپذیری را به او معرفی کرد. استاد در جستجوی علم نقاشی به تمامی موزه های اروپا سرزد در این سیاحت بود که مفتون «رامبراند» (نقاش قرن ۱۷) شد، نشانه ای از عرفان شرق در آثار این تابعه هلندی خفته بود که کمال الملک آن را حس میکرد و بسوی آن کشیده می شد، کمال الملک می گفت: در تابلوهای رامبراند وتی سین، نیرو، روح و هنر وجود دارد. کمال الملک علم نقاشی را از مطالعه آثار رامبراند، تیسین، رافائل، روبنس، واندیک و داوینچی آموخت این مطالعه بصورت کپی و تجزیه و تحلیل در حضور نقاشان بنام آن دوره اروپا صورت گرفت. تابلوی سن ماتورا کمال الملک در موزه لوور فرانسه و پرتره رامبراند را در قصر پیتی ایتالیا مطالعه و برداشت کرد.

در فرانسه کمال الملک با نقاش بنام آن زمان فانتن لاتور آشنا شد و حاصل این آشنائی پرتره ای است که استاد از صورت این نقاش فرانسوی کشیده است. «مراقب باشید این آتش از ایران آمده است».

با این توصیف و اعجاب نقاش نامی فرانسوی کمال الملک را به شاگردانش معرفی

کرد.

استاد فرانسوی به شاگردانش توصیه کرد: «از تابش و حرارت این آتش بهره بگیرید» بن زور رئیس مدرسه مونیخ یکی از سرشناس ترین نقاشان اروپا، کمال الملک را بی نظیرترین کپی بردار آثار استادان نقاشی کلاسیک اروپا نامید.

در باره مدت اقامت استاد در اروپا اتفاق آراء وجود ندارد، متون واقوال گوناگونی که در دست است طول سفر استاد را بین سه تا پنج سال میدانند اما شواهد معتبرتر گواهی میدهند که کمال الملک بسال ۱۳۱۴ هجری راهی اروپا شد و به سال ۱۳۱۹ به ایران بازگشت.

ترازنامه پنج ساله اقامت کمال الملک در فرنگ ۱۲ تابلوست که اکثر آنها کپی برداری از کار نقاشان نامی عصر رنسانس اروپاست
این آثار نشان میدهند که نقاش در این پنج سال راهی بلند پیموده و در وجود خویش اقلیم های تازه ای را کشف کرده است.

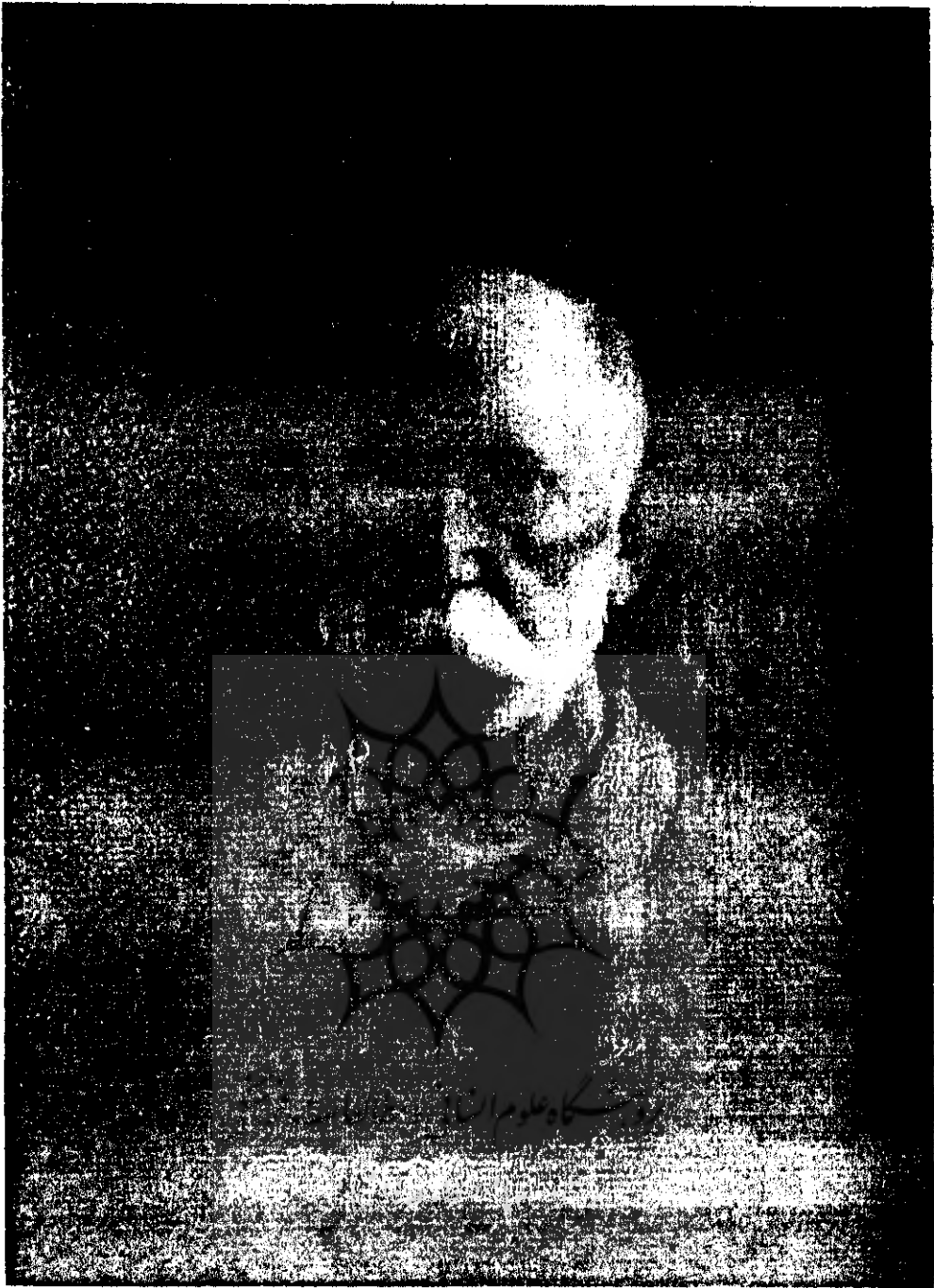
تکنیک او بیخسته تر و نگاهش نافذ تر شده بود. در این سفر او بارنگ و خط و ربط که شالوده و جان نقاشی ایست دیدار کاشفانه جدیدی داشت. حضور در تجرب به استادان و راه گشایان و آموزگاران نابغه نقاشی و خیره شدن در اعجاز و آفرینش آنها به او مجال داده بود تا حقیقت و ذات نقاشی را بشناسد و جای واقعی طبیعت و زندگی را در هنر پیدا کنند.

دوره سوم:

کمال الملک در بازگشت به تهران قلبی سرشار و پریش داشت اما جو تهران سنگین و راکد و تیره بود. برای سیمرغی که سودای پرواز تا افسانه هارا داشت این فضا قابل تحمل و زیست نبود.

شرایط آنروز ایران نمی توانست با هنر سازگاری داشته باشد. این شرایط ناهنجار جلوه های اصیل مینیاتور ایران را به پرتگاه کشانده بود، بدیهی است در این فضا هنرمندی چون کمال الملک را که از تعلقات مادی آزاد نبود و بهانه های زندگی را در هنرش می جست نمی توانست احساس آرامش و رضایت کند. بازگشت کمال الملک مصادف با سلطنت مظفرالدین شاه بود، این شاه قاجار به او کارهایی توصیه میکرد که با روحیه اش نمی خواند و هنر خلاقه وقتی با دستور دادن و تکلیف و برنامه روبرو شود احساس خفگی می کند. این همان احساسی بود که کمال الملک را به ستوه آورد. رجال و امرای دربار مظفرالدین شاه بی آنکه درک درستی از هنر داشته باشند بمیزان شهرت و اعتبار کمال الملک واقف بودند و از این رومی خواستند از وجود او برای هستی بوج خود مابه تفاخر درست کنند، به او پیشنهاد کاری جورا جور می دادند و این پیشنهادات در چنان سطحی بود که اگر به اجرا درمی آمد از نقاش یک دلقک میناسخت. سرانجام این خواستها و انتظارات پیاپی، به اضافه محیط ناساز دربار مظفرالدین شاه هنرمند را به عصیان کشید و از ایران فرار کرد و مدت ها در بغداد اقامت گزید و تابلوهای یهودیهای فالگیر بغدادی، زرگر بغدادی و یهودیهای فالگیر از ترکیب فوق العاده ای برخوردار است مقایسه مفهوم این دو تابلو با محتوای تابلوهائی که قبل از مسافرت به اروپا استاد می کشید حکایت از تحول شگرف در تفکر استاد می کند، دید و برداشت استاد از واقعیات جامعه در بعد طبقاتی خود قابل ستایش است.

بازگشت کمال الملک از بغداد در سال ۱۳۲۳ قمری بود که شاه از وی خواست



۳- پرتره کمال الملک در سن کهولت، با تکنیک آبرنگ کار
شده است سال ۱۳۳۶ قمری

دوباره مشغول بکار شود ولی استاد به بهانه ریشه دست از ساختن تابلو برای وی سرباز زد و چون مراجعت او مصادف با جریان مشروطیت بود در این نهضت شرکت کرد و مقالاتی در جراید انتشار داد.

دوره چهارم:

تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه

بعد از اتفاقات مشروطه در حدود سالهای ۱۳۲۹ قمری وزرای وقت ب فکر افتادند که به وضعیت کمال الملک که به فقر و فلاکت عجیبی دچار شده بود سر و سامانی بدهند، حکیم الملک وزیر فرهنگ وقت اجازه نامه ای از مجلس برای واگذاری شش هزار ذرع از اراضی نگارستان بامبلغ هفت هزار تومان مخارج ساختمان مدرسه صنایع مستظرفه بنام کمال الملک گرفت و چون در آن سال پرداخت وجه مذکور میسر نگردید سال بعد که حکیم الملک وزیر دارائی بود وجه مزبور را پرداخته و ساختمان تمام و مدرسه تأسیس گردید و تابلوهای کمال الملک را آوردند و آنجا کوبیدند و از اینجا اولین مدرسه هنری تحت عنوان مدرسه صنایع مستظرفه تأسیس شد و کمال الملک در آنجا شروع بکار کرد این محل اولین جانی بود که برای بازدید مهمانهای خارجی بعنوان یکی از مراکز فرهنگی مورد بازدید قرار میگرفت.

تابلوهائی که در ایام مدرسه توسط کمال الملک پیاپی رسید عبارت است از دورنمای مغانک، دو تابلواز دماوند و سه تابلواز شمیران و کوه توجال و پرتره سید نصرالله تقوی و چند پرتره خود از روی آینه و پرتره مولانا و تابلویسر ناصر الملک و بعضی تابلوهای دیگر، همچنین استاد در این دوره از مدرسه عده زیادی شاگردان هنرمند تربیت نمود که بهترین آنها عبارت بودند از آقایان اسمعیل آشتیانی، حسنعلی وزیری، ابوالحسن صدیقی و علیمحمد حیدریان.

بنقل از علی محمد حیدریان یکی از شاگردان وی مدرسه یکی از مکانهای فرهنگی بسیار عالی بود علاوه بر اینکه از شاگردان هیچگونه وجهی گرفته نمی شد. کلیه ابزار کار از قبیل قلم مو، رنگ، مداد، مجاناً در اختیار شاگردان گذاشته میشد و دوسه سال اول بسیار عالی بود، عشق محض بود بعد یواش یواش افکار متریقی پیش آمد، بعد از چند سال گفتند آنجا را وزارتخانه کنیم و از اینجا بد بختی مدرسه شروع شد و مسئله جاه طلبی و ریاست طلبی پیش آمد این محل که بهشت هنر بود مبدل شد به جهنم، تا بالاخره موفق شدند نیمچه وزارتخانه ای درست کنند بنام وزارت صنایع و دیگر افتاد روی حقه بازی و در زمان رضاشاه با سلیمان میرزا وزیر معارف وقت کشمکشهایی پیدا کرد و وزرای معارف وقت در صدد مداخلات ناروایی در مدرسه برآمدند و همیشه این مسئله موجب کشمکش و اختلاف ما بین آنها و مرحوم

کمال‌الملک و سبب عدم پیشرفت کارهای مدرسه بود تا اینکه در زمان آقای سید محمد تدین وزیر معارف وقت این کشمکش بالا گرفت و مرحوم کمال‌الملک که دیگر از رفتارهای ناهنجار آنها در این مدت خسته و فرسوده شده بود از میرزا حسین مستوفی الممالک رئیس الوزراء استعفای بازنشستگی نموده و بالاخره تقاضای او تصویب شد (۱۳۰۶ خورشیدی). پس از آن استاد به حسین آباد نیشابور ملک شخصی خود رفت (بتاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۷ خورشیدی) و تا آخر عمر در آنجا اقامت گزید. عده‌ای از رجال و شاگردان و دوستان او از تهران و بلاد دیگر ایران در حسین آباد به دیدارش می‌رفتند و حتی بعضی از اروپائیان و مستشرقین و غیره به حسین آباد برای زیارت این هنرمند بزرگ رفتند.

در این زمان مباشر مجلس شورای ملی وقت به تشویق یکی از شاگردان کمال‌الملک ب فکر افتاد که تابلوهای استاد را برای مجلس خریداری نموده و در آنجا موزه‌ای بنام کمال‌الملک ایجاد نماید این بود که تابلوی سردار اسعد را بمبلغ پانصد تومان (۱۳۱۰ خورشیدی) و بعد در سال ۱۳۱۳ دوازده قطعه دیگر به بهای شش هزار تومان خریداری نمود که تهران حمل و در کتابخانه مجلس شورای ملی وقت نصب شد.

در سال ۱۳۵۰ قمری آقای شریف رئیس کتابخانه مجلس به حسین آباد رفت و چهار قطعه از تابلوهای استاد را به تهران حمل کرد و ضمیمه سایر تابلوهای مجلس نمود و بالاخره استاد در سال ۱۳۵۲ قمری مصادف با سال ۱۳۱۹ خورشیدی بمرض حبس البول دچار شد و در نیشابور در منزل نوه خود آقای محمد غفاری در روز یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۱۹ خورشیدی ساعت ۲ بعد از ظهر بدرود زندگانی گفته و جنازه وی با تجلیل فوق العاده به مقبره شیخ عطار حمل شد و در همانجا بخاک سپرده شد.



۴- پرتره پیرمرد. این تابلوی یکی از آخرین کارهای کمال‌الملک است